

۵۱
۵۲

مجموعه مباحث اخلاقی

بالاترین سرمایه

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

فروردین ماه ۱۳۸۶

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«إلهي إن كان قلّ زادي في المسير اليك فلقد حسن ظني بالتوكّل
عليك وإن كان جرّمي قد اخافني من عقوبتك فإنّ رجائي قد اشعرتني
بالأمن من نعمتك وإن كان ذنبي قد عرضني لعقابك فقد آذنتني
حُسن ثقتي بتوابك وإن أنا متني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد
نبّهتني المعرفة بكرمك وآلائك وإن أوحش ما بيني وبينك فرط
العصيان والطغيان فقد انسنى بشر الغفران والرضوان»^(١) .

پروردگارا! اگر چه در مسیر حرکت به سوی تو کم توشه‌ام؛ اما حسن ظن به
توکل بر تو، این کم توشگی را جبران می‌کند. اگر چه جرایم و گناهانم
موجب هراس و ترس از عقوبت است، اما امیدی که به تو دارم، به من
اطمینان می‌دهد که از نعمت تو در امانم. اگر چه گناهانم مرا در معرض

۱ - مناجات خمس عشر، مفاتیح الجنان مناجات الراغبین .

عقاب قرار داده است، اما ثواب تو متیقن است و امید و اعتماد به پاداشت دارم. اگر چه غفلت مرا به خواب برده است و استعداد و آمادگی دیدار تو را ندارم ولی شناخت تو به من نوید بخشش و نعمتهایت را می دهد. اگر چه فراوانی گناه و طغیان میان ما وحشت ایجاد کرده است ولی امید به آمرزش و خشنودی تو وحشت مرا به انس مبدل می سازد.

معنای رغبت:

رغبت در لغت به معنای حرص و میل شدید نسبت به چیزی می باشد^(۱). در قرآن نیز کلمه رغبت چندین بار تکرار شده است از جمله:

﴿يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا﴾^(۲).

ما را از روی امید و بیم می خوانند.

﴿إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾^(۳).

ما به خداوند علاقه مندیم.

﴿وَالِي رَبِّكَ فَارِعَبٌ﴾^(۴).

و به سوی پروردگارت مشتاق شو.

۱ - مجمع البحرین، جلد ۲ صفحه ۱۹۷.

۲ - سوره انبیاء، آیه ۹۰.

۳ - سوره توبه، آیه ۵۹.

۴ - سوره انشراح، آیه ۸.

تفاوت رغبت و رجاء:

اهل معرفت بين رغبت و رجاء تمايز قايلند ، و رغبت را بالاتر از رجاء مي دانند و مي گویند :

« نهاية الرجاء بداية الرغبة » .

انتهای آرزومندی ابتدای اشتیاق است .

کسی که مرحله و منزل امید را پشت سر می گذارد و همه وجود وی سرشار و لبریز از امید و امیدواری برای دست یابی و رسیدن به مطلوب و معشوق می گردد ، به ابتدا و آغاز راه اشتیاق و رغبت رسیده است . انسان هنگامی طمع به چیزی دارد که فاقد آن باشد و می خواهد آن را بدست آورد ، فرد امیدوار ، امید دارد که گم کرده خود را بیابد ، اما شاید به مطلوب خود نرسد و آن را پیدا ننماید . اما کسی که نسبت به چیزی رغبت دارد ، می داند آن شی حتماً وجود دارد و مرغوب متیقن الوقوع است ، و تنها با حرکت و تلاش کردن آنرا به دست می آورد . به همین دلیل اهل فن در تعریف رغبت می گویند : « سلوك علی تحقیق » ، یعنی حرکت به سوی موضوعی که در خارج موجود است .

در نام گذاری این مناجات و قرار گرفتن آن پس از مناجات راجین

(امیدواران) سلیقه خوبی به کار رفته است. زیرا تناسب بین رجاء و رغبت در نظر گرفته شده است. البته نمی‌دانیم این ترتیب از امام سجاد علیه السلام می‌باشد یا از مرحوم محدث قمی رحمته الله.

در ادامه این مناجات فرازهایی وجود دارد که رغبت و اشتیاق را به صورت بسیار زیبایی بیان می‌نماید.

«إلهي إنَّ كان قلَّ زادي في المسير إليك فلقد حسن ظني بالتوكل عليك» .

پروردگارا! اگر چه در مسیر حرکت به سوی تو کم توشه‌ام اما حسن ظنّ به توکل بر تو این کم توشگی را جبران می‌کند.

«وإن كان جرمي قد أخافني من عقوبتك فإنَّ رجائي قد أشعرنني بالأمن من نقتك» .

اگر چه جرایم و گناهانم موجب هراس و ترس از عقوبت است، اما امیدی که به تو دارم به من اطمینان می‌دهد که از نقت تو در امانم.

«وإن كان ذنبي قد عرضني لعقابك فقد آذني حسن ثقتي بثوابك» .
اگر چه گناهانم مرا در معرض عقاب قرار داده است، اما ثواب تو متیقن است و امید و اعتماد به پاداشت دارم.

«وإن انامتنى الغفلة عن الأستعداد للقائك فقد نبهتني المعرفة

بكرمك و آلائك» .

اگر چه غفلت مرا به خواب برده است و استعداد و آمادگی دیدار تو را ندارم

ولی شناخت توبه من نوید بخشش و نعمتهایت را می دهد .

«وإن أوحش ما بيني و بينك فرط العصيان والطَّغْيَانِ فقد آنسني

بشر الغفران والرَّضْوَانِ» .

اگر چه فراوانی گناه و طغیان میان ما وحشت ایجاد کرده است ولی من امید

به آمرزش و خشنودی تو وحشت مرا به انس مبدل می سازد .

انسان در این مناجات به پروردگار ، تواب ، لقاء و غفران الهی اعتقاد

قطعی دارد و برای دسترسی به آنها اشتیاق فراوانی دارد .

حرکت ثمره یقین:

رغبت دارای مراتب و درجاتی می باشد . رغبتی که مؤمن دارد یعنی

اعتقاد قطعی و یقین به غیب . این اعتقاد قطعی به خداوند و جهان آخرت

باعث تلاش و حرکت مؤمن می شود . انسانی که دارای یقین است ، نسبت به

مطلوب و مقصود خود رغبت دارد و برای دستیابی آن تلاش و حرکت

می کند .

شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمود :

« يا أمير المؤمنين هل رأيت ربك حين عبدته ، فقال : ويليك ما كنت
أعبد رباً لم أره ... لا تدركه العيون في مشاهدة الأبصار ولكن رأته
القلوب بحقايق الإيمان »^(۱).

هنگامی که عبادت می‌نمایی، آیا پروردگارت را دیده‌ای؟ حضرت پاسخ
دادند: وای بر تو! من خدایی را که نبینم. عبادت نمی‌کنم... اما خدا را با
چشم نمی‌توان دید، بلکه قلب با توجه به حقایق او را می‌بیند.

باید آدمی به مرحله‌ای از قطع و یقین برسد که خداوند متعال را ببیند،

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

« اعبد الله كأنك تراه »^(۲).

خداوند را بگونه‌ای عبادت کن که گویی او را می‌بینی.

در این مرحله دیگر کسالت و سستی در اراده و عمل راه ندارد. وقتی
انسان خدا را می‌بیند و می‌داند خداوند نیز او را می‌بیند به واجبات و
مستحبات و نوافل بخصوص نوافل شبانه مقید و پایبند شده سعی می‌کند آنها
را هرگز ترک نکند.

کسی که به خداوند رغبت و اشتیاق فراوان دارد، مقصود و مطلوب را
می‌بیند و نسبت به آن اعتقاد راسخ دارد، هرگز در حرکت به سوی او کاهلی و

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۹۸.

۲- رسائل شهید ثانی، صفحه ۱۰۶.

سستی نمی‌ورزد و خستگی و تعلل به خود راه نمی‌دهد.

نماز شب در روایات:

نوافل لیلیه ارزش فراوانی دارد، خلوت با معشوق در دل شب، هنگامی که همه خوابیده‌اند روح انسان را پرورش می‌دهد و اثرات و ثمرات فراوانی برای انسان به ارمغان می‌آورد روایات فراوانی دربارهٔ ارزش نماز شب و شب زنده‌داری از حضرات معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

« لا تدع قیام اللیل ، فإنّ المغبون من حرم قیام اللیل »^(۱).

شب زنده‌داری را ترک مکن، به درستی که زیان کار کسی است که از شب زنده‌داری محروم باشد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

« ما زال جبرئیل یوصینی بقیام اللیل حتی ظننت أنّ خیار أمتی لن یناموا »^(۲).

آنقدر جبرئیل در مورد شب زنده‌داری به من سفارش نمود، که گمان کردم، برگزیدگان ائمتّم شبها نمی‌خوابند.

۱- بحار الانوار، جلد ۸۰ صفحه ۱۲۷.

۲- بحار الانوار، جلد ۸۴ صفحه ۱۳۹.

خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید :

« كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَحِبُّنِي وَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي »^(۱) .

کسی که می‌گوید مرا دوست دارد و هنگامی که شب فرا می‌رسد به خواب می‌رود؛ دروغگو است .

عاشق هنگامی که معشوق را می‌یابد دوست دارد با او خلوت و شب نشینی کند و این موقعیت خوب را از دست نمی‌دهد . اما کسی که ذره‌ای اشتیاق در دل او ایجاد نشده ، به خواب می‌رود و این فرصت را از دست می‌دهد .

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید :

« مَا اتَّخَذَ اللهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسِ

نِيَامَ »^(۲) .

خداوند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را بخاطر غذا دادن و سیر کردن مردم و همچنین نماز در شب ، هنگام خواب مردم ، به مقام خلّت و دوستی رساند .

حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ راه و رسم دوستی را فرا گرفته بود و به خداوند

رغبت فراوان داشت .

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید :

« إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنْ لَذِيذِ مَضْجَعِهِ وَالنَّعَاسِ فِي عَيْنَيْهِ ، لِيَرْضَى رَبَّهُ

۱- بحار الانوار ، جلد ۸۴ صفحه ۱۳۹ .

۲- علل الشرایع ، جلد ۱ صفحه ۳۵ .

بصلاة ليله ، باهي الله به ملائكته ، فقال أما ترون عبدي هذا قد قام
من لذيد مضجعه الى صلاة لم أفرضها عليه اشهدوا إنني قد غفرت
له «^(۱) .

هنگامی که بنده‌ای از لذت خواب چشم پوشی کند و از بستر شیرین خود
برخیزد، در حالی که هنوز خواب آلوده است تا با خواندن نماز شب
خشنودی و رضایت خداوند را جلب نماید، خداوند سبحان به این بنده نزد
فرشتگان افتخار می‌کند و می‌فرماید: بنده مرا ببیند که لذت خواب را به
کناری نهاد و برای نمازی که بر او واجب نساختم برخواست، شاهد باشید که
گناهان او را بخشیدم.

روایات فراوانی در تشویق و ترغیب به شب زنده داری و خواندن نماز
شب وجود دارد، برای مطالعه بیشتر می‌توانید به جوامع روایی از جمله به
کتاب شریف بحار الانوار رجوع نمایید.

عبادت عاشقان:

امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با عبادت ملائکه می‌فرماید:

« منہم سجود لا یرکعون و رکوع لا ینتصبون ، و صاقون لا یتزایلون

۱- بحار الانوار، جلد ۸۴ صفحه ۱۵۶.

و مسَّبِحُونَ لَا يُسْأَمُونَ ، لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعَيْنِ»^(۱) .

برخی از فرشتگان سجده کنانی هستند که رکوعی ندارند، برخی دیگر برای رکوع خمیده‌اند و قامت برای قیام راست نمی‌کنند، گروهی از آنان صف کشیدگان هستند که هرگز هیچ دگرگونی در وضع خود نمی‌دهند، تسبیح گویانی هستند که خستگی و فرسودگی راهی به آنان ندارد و بر چشمانشان خوابی پیروز نمی‌گردد.

اما برخی از بندگان خداوند همانند اویس قرنی عبادت‌های شبیه به ملائکه داشتند نقل می‌کنند که اویس قرنی می‌گفت: امشب، شب قیام است، و در طول شب می‌ایستاد و عبادت می‌کرد، و شب دیگر می‌گفت: امشب شب سجود است، و در طول شب در سجده بود و سر بلند نمی‌کرد. عاشقان خداوند، شبهای خود را اینگونه به صبح می‌رسانند.

مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته الله معمولاً دو ساعت قبل از اذان صبح به حرم حضرت ثامن الحجج علیه السلام می‌آمد و عبادت می‌کرد. حاج میرزا حبیب الله گلپایگانی رحمته الله پیش از آنکه درهای حرم مطهر ثامن الحجج علیه السلام باز شود، بالای بام حرم و نزدیک گنبد آن حضرت می‌ایستاد و عبادت می‌کرد، می‌گویند: ایشان در حال رکوع بودند و برف می‌بارید و بر کمر ایشان

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱.

می‌نشست، اما ایشان آنچنان غرق در مناجات با محبوب بودند، که اصلاً متوجه نشدند.

هنگامی که ایشان بیمار شدند. و پزشکان از وی قطع امید کردند میرزا گفت: مرا به کنار پنجره ببرید تا گنبد مولایم را ببینم. ایشان خطاب به آن حضرت عرض کردند، بنده ۴۰ سال نخستین کسی بودم که به حرم شما مشرف می‌شدم. سخن میرزا تمام نشده بود که ناگهان اتاق نورانی می‌شود و امام رضا علیه السلام می‌فرمایند، من نیز آمدم، و در دست شریفشان دسته گل بود که به میرزا می‌دهند. هنگامی که میرزا به حال اولیه خود باز می‌گردد، می‌بیند دسته گلی در دست دارد. پس از این جریان میرزا به هر بیماری که دست می‌گذاشت شفا می‌یافت و درمان می‌شد.

واقعاً آنان عبادتهای محیر العقولی داشتند، نماز حضرت جعفر طیار را هنگام نماز شب می‌خوانند گاهی یک سال شبها نمی‌خوابیدند تا لیلۃ القدر را درک نمایند.

دل، مرهم خداوند:

شب قدر، شب نزول ملائکه می‌باشد. آیا ملائکه به هر قلبی فرود می‌آیند؟

باید محلّ نزول آنان را آماده کرد، قلبی که پاک و نورانی باشد، محلّ نازل شدن فرشتگان است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«القلب حرم الله فلا تسكن حرم الله غير الله»^(۱).

دل حرم خداوند است در حرم خدا غیر او راه ندهید.

اما در دل‌های ما متأسفانه همه چیز هست بجز خداوند! به همین دلیل

عبادتهایمان بی روح و بدون حضور قلب می‌باشد.

نمازی که در آن روح با جسد همراه نباشد، نماز نیست و مجرد اسقاط

تکلیف می‌باشد. این نماز به هیچ وجه معراج مؤمن^(۲) نیست، قربانی،

پرهیزکاران نمی‌باشد^(۳) و از پلیدی و منکر جلوگیری نمی‌نماید^(۴). نقل

می‌کنند، دو گنجشک نر و ماده با هم نزاع کردند و به نزد حضرت سلیمان عليه السلام

رفتند، نر گفت: من او را دوست دارم ولی او به من توجه نمی‌کند. حضرت به

گنجشک ماده فرمود: چرا؟ ماده گفت: دروغ می‌گویند زیرا او را دیدم که با

گنجشک ماده دیگر مراوده داشت. می‌گویند، پس از این سخن حضرت

۱- بحار الانوار، جلد ۶۷ ص ۲۵.

۲- مستدرک سفینه البحار، جلد ۶ صفحه ۳۴۳.

۳- وسایل الشیعه، جلد ۴ صفحه ۴۳.

۴- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

سلیمان علیه السلام بسیار گریست و فرمود: در یک دل جای دو دست نمی‌باشد. وقتی غیر وارد بشود، خداوند از آن دل بیرون می‌رود، هنگامی که خداوند می‌فرماید من در اعمال بهترین شریک هستم^(۱)، حتماً در سکونت نیز بهترین همنشین خداوند می‌باشد.

نقل می‌کنند، حضرت مریم هنگام وضع حمل حضرت عیسی علیه السلام گرسنه شد، از طرف پروردگار خطاب آمد:

﴿وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾^(۲).

و تنه درخت خرما را به سوی خود تکان بده تا بر تو رطب تازه فروریزد. حضرت مریم گفت: خداوند! پیش از این هنگامی که در محراب بودم بدون هیچ رنج و زحمتی به من غذا می‌دادی، اما اکنون باید درخت را تکان بدهم؟! خطاب آمد آن وقت در دل تو فقط من بودم، اما الان فرزندت در دلت جای گرفته است و او را نیز دوست داری.

اثرات گناه:

شخصی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد من از خواندن نماز شب محروم هستم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۲۹۵.

۲- سوره مریم، آیه ۲۵.

«أنت رجلٌ قد قيّدتك ذنوبك»^(۱).

تو کسی هستی که در بند گناهانت گرفتار شده‌ای.

انسان آلوده را به حریم خلوت راه نمی‌دهند، چشم، فکر و دل آلوده را به حریم قرب الهی راه نمی‌دهند.

روزی به حسب اتفاق در مسجدی امام جماعت شدم. نماز یک مقدار به درازا کشید. پس از نماز گروهی نزد من آمدند و اعتراض کردند که چرا این قدر نماز را طولانی نمودی؟! نمازی که در آن به حدّ اقل اکتفاء شود دیگر، قرب نمی‌آورد و نزدیکی و معاشقه با خداوند نیست. این نماز دیگر تعالی روحی ایجاد نمی‌کند. درست است که خداوند فرموده:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِرُخْصَةٍ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْخَذَ بِعِزَّةٍ»^(۲).

خداوند همچنان که دوست دارد از محرمات او پرهیز و به واجبات عمل شود، دوست دارد بندگان از آزادی عملی که قرار داده نیز استفاده کنند.

اگر بخواهیم فقط به واجبات اکتفا نماییم، راه ورود شیطان را باز کرده‌ایم. زیرا شیطان نخست از نوافل و مستحبات شروع می‌کند. ابتدا انسان را از انجام آنها باز می‌دارد، سپس شروع به وسوسه انسان در مورد واجبات می‌نماید، روش شیطان در خصوص مکروهات نیز همین گونه است. ابتدا به

۱- کافی، جلد ۳ صفحه ۴۵۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۶۶ صفحه ۳۶۰.

بهانه حرام نبودن مکروهات انسان را انجام آنها ترغیب می‌نماید، سپس انسان را به دام محرمات می‌کشاند.

کسی که از مرز مکروهات گذشت ساده‌تر گرفتار محرمات می‌شود. اگر هم کسی با عمل به مکروهات گرفتار محرمات نشد، نفس عمل به مکروهات بی‌توفیقی همراه دارد و باعث غفلت انسان و بازماندن او از دسترسی به بسیاری کمالات می‌گردد.

مرحوم حاج شیخ حسن علی اصفهانی معروف به نخودکی از عبّاد مشهور بود. بنده از یکی از شاگردان نزدیک وی پرسیدم، آیا مرحوم نخودکی به شما دستورات سلوکی آموزش داد؟ گفت آری، ولی آن زمان اموال مشتبه بسیار کم بود، ولی امروزه بسیار است. به همین دلیل ما نمی‌توانیم به مقامات آنان برسیم. مثلاً همین گوشتی را که می‌خوریم آیا شرایط ذبح شرعی در آن رعایت شده است؟ این نانی که می‌خوریم آیا کشاورز زکات آنرا پرداخته است؟ از نظر فقهی مصرف کردن آنها جائز است ولی همه آنها آثار وضعی به همراه دارد و دل‌های ما را تاریک می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

« إنَّ الرجلَ لیکذبُ الکذبةَ فیحرمُ بها صلاةَ اللیلِ ، فإذا حرمَ صلاةَ

اللیل حرم بها الرزق»^(۱).

شخص با یک دروغ از خواندن نماز شب محروم می‌گردد و اگر از آن محروم شود از رزق و روزی محروم شده است.

یک دروغ یا یک نگاه آلوده باعث محرومیت انسان از نماز شب و تهجد می‌گردد. از طرف دیگر پابندی و تقید به نماز شب جلوی نگاه آلوده را می‌گیرد. بین این دو یک رابطه وجود دارد که به تجربه نیز اثبات شده است. آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم چرا با این همه تکاپو و کوشش به جایی نرسیده‌ایم؟

در گذشته‌ای نه چندان دور مردم اینقدر زحمت نمی‌کشیدند اما زندگی آرام‌تری داشتند. زیرا این قدر اموال مشتبه و مواردی از این قبیل در زندگیشان راه نیافته بود.

حسن ظن بالاترین سرمایه:

بالاترین سرمایه برای انسان حسن ظن به پروردگار عالمیان است. توکل نیروی محرکه‌ای است که انسان را علی‌رغم نداشتن زاد و توشه به حرکت در می‌آورد، و او را برای لقاء و دیدار الهی آماده و مستعد می‌کند.

۱- بحار الانوار، جلد ۶۹ صفحه ۲۶۰.

حسن ظن به پروردگار، امید و اطمینانی به انسان می‌بخشد که با وجود نافرمانی و زشتی‌هایی که در طول حیات انجام داده است نسبت به عذاب و عتاب الهی در امان باشد، و با اینکه سرگرمی‌های دنیوی او را از هدف اصلی باز داشته است ولی ایمان و معرفت به کرم خداوند، به او قابلیت لقاء و دیدار حق را می‌بخشد.

لقاء الهی در قیامت حاصل می‌شود و با توجه به آیات و روایات در می‌یابیم که دو نوع قیامت وجود دارد:

۱ - قیامت کبری که همه انسانها در صحرای محشر جمع و محاسبه می‌شوند.

۲ - قیامتی که پس از مرگ برای فرد ایجاد می‌شود.

« من مات فقد قامت قیامته »^(۱).

هر کس که بمیرد، قیامتش به پا می‌گردد.

انسانهایی که شایسته دیدار حق می‌گردند در هر دو نوع قیامت این افتخار نصیبشان می‌گردد.

« إن كان قلّ زادي في المسير إليك فلقد حسن ظني بالتوكل عليك ».

نخستین جمله از مناجات با حسن ظن و توکل به خداوند آغاز

۱ - بحار الانوار، جلد ۵۸ صفحه ۷.

می‌شود. حسن ظن بهترین سرمایه و مهمترین ابزاری است که به انسان اطمینان و توکل می‌دهد تا حرکت به سوی حق را آغاز نماید و برای وی شایستگی، لیاقت، شمول فضل و عفو الهی را به ارمغان می‌آورد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وجدنا في كتاب علي ابن أبي طالب عليه السلام أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال وهو على منبره: والله الذي لا إله إلا هو ما أعطى مؤمن خير الدنيا والآخرة إلا بحسن الظن بالله ورجائه له وحسن خلقه والكف عن اغتياب المؤمنين والله الذي لا إله إلا هو لا يعدب الله مؤمناً بعد التوبة والاستغفار إلا بسوء ظنه بالله وتقصير من رجائه وسوء خلقه واغتيابه المؤمنين، والله الذي لا إله إلا هو لا يحسن ظن عبد مؤمن بالله إلا كان عند ظن عبده المؤمن، لأن الله كريم بيده الخيرات، يستحي أن يكون عبده المؤمن قد أحسن به الظن والرجاء ثم يخلف ظنه ورجاءه فاحسنوا بالله الظن وارغبوا إليه»^(۱).

در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، پیامبر صلى الله عليه وسلم بر روی منبر فرمودند: به خداوندی که خدایی جز او نیست خیر دنیا و آخرت در حسن ظن و امید به او و اخلاق نیک و دوری از غیبت مؤمنین است. قسم به خداوندی که

۱ - مشکاة الانوار، صفحه ۷۷.

خدایی جز او نیست، خداوند مؤمن را پس از توبه عذاب نمی‌دهد، مگر بخاطر سوء ظن به خدا و اخلاق بد و غیبت مؤمنین. قسم به خداوندی که خدایی جز او نیست، اگر بنده‌ای حسن ظن به خداوند داشته باشد، خداوند نیز بر اساس همان حسن ظن به او پاسخ خواهد داد، زیرا خداوند کریم است. مبداء و گنجینه همه خیرها و خوبی‌های دنیا و آخرت نزد ذات اقدس الهی است. خداوند شرم دارد حسن ظن و امید بنده‌اش را بر آورده نسازد، پس به خداوند حسن ظن، امید و اشتیاق داشته باشید.

مبداء و گنجینه همه خیرها و خوبی‌های دنیا و آخرت نزد ذات اقدس الهی است و خداوند آنها را تقسیم و اعطاء می‌کند. این خیرها شامل کسانی می‌گردد که دارای حسن ظن به خداوند باشند و با اخلاق نیکو با دیگران رفتار کنند و غیبت نکنند. پس از توبه و استغفار عذاب الهی شامل انسان نمی‌شود، بشرط آنکه، انسان تائب به بخشش خداوند، حسن ظن داشته باشد. اگر کسی واقعاً توبه کرده و از گذشته خود پشیمان باشد و هرگز گناهان گذشته را تکرار نکند ولی به خداوند سوء ظن داشته باشد، هرگز خداوند گناهان او را نمی‌بخشد.

فردی که به خداوند حُسن ظن دارد، خداوند نیز با او معامله‌ای حَسَن، خواهد داشت، زیرا خداوند متعال کریم است و هیچ کس را نا امید نمی‌کند.

به عنوان نمونه، اگر محتاجی به فردی متمکن و ثروتمند رجوع کند و از او خواهش نماید که نیازش را بر آورده سازد، صاحب تمکن با آن محتاج می‌تواند دو گونه رفتار نماید، می‌تواند از کمک کردن به وی سرباز زند و نیاز وی را بر آورده نسازد. یا بگوید با آن که من این فرد محتاج را هرگز نمی‌شناسم، ولی بنده‌ای از بندگان خداوند است به امید کمک روی به من آورده است، پسندیده نیست که وی را کمک نکنم. انسانهای فراوانی داریم که به انسانها محتاج کمک می‌کنند و آنان را نا امید نمی‌کنند.

با این توصیف خداوند رحمان و رحیم که خالق و مقسّم همه خوبیها و نیکی‌ها است، آیا دست رد به سینه انسان امیدواری که به سوی او آمده است و اطمینان دارد که خداوند حاجت وی را بر آورده می‌کند، می‌زند؟ حسن ظن بهترین و والاترین سرمایه انسان راغب و مشتاقی است که آرزوی وصال و دیدار حق را در سر می‌پروراند.

« قال أعرابي من يحاسب الخلق يوم القيامة؟ قال: الله عزّوجلّ، قال: نجونا وربّ الكعبة! قال: وكيف ذلك يا اعرابي؟ قال: لأنّ الكريم إذا قدر عفى»^(۱).

شخصی از پیامبر ﷺ سوال نمود، محاسبه خلائق در روز قیامت به

۱ - تنبيه الخواطر (مجموعه ورام) جلد ۱ صفحه ۱۷.

دست چه کسی است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: خداوند، آن شخص گفت: به خدا قسم نجات یافتیم. پیامبر ﷺ فرمودند: چرا؟ آن شخص گفت: زیرا کریم آنگاه که قدرت یابد عفو می‌کند.

سکوت رسول الله ﷺ نشانگر تأیید سخن اعرابی است.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

« احسن الظن بالله فإن الله عز وجل يقول أنا عند ظنّ عبدي المؤمن
بي ان خيراً فخيئراً وإن شراً فشرّاً »^(۱).

به خداوند گمان نیک داشته باشید، خداوند می‌فرماید: من بنده‌ام را بر اساس ظنّ او پاسخ می‌گویم، اگر گمان نیک داشته باشد، من نیز به نیکویی با او رفتار می‌کنم و اگر ظنّ و گمان به نسبت به من داشته باشد من نیز همان گونه با او رفتار می‌کنم.

گمان و تصور فرد از خداوند، تأثیر مستقیمی در معامله خداوند با فرد دارد. اگر انسان بگوید، خداوند ارحم الراحمین، با من معامله‌ای خوب و شایسته‌ای خواهد داشت. خداوند حتماً با وی همان گونه رفتار می‌کند. ولی اگر کسی بر این تصوّر و خیال باشد که خداوند تمام بدی‌های و زشتی‌های وی را محاسبه می‌کند و برای انجام آنها وی را عقاب می‌کند، الزاماً و حتماً عقاب

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۷۲.

خواهد شد .

تأثیر مسن ظن در زندگی:

تصوّر و پنداری که انسان نسبت به خداوند دارد، راه و روش وی را در زندگی مشخص و معین می‌کند. رفتار و زندگی انسانی که حسن ظن دارد، با کسی که دارای سوء ظن می‌باشد، متفاوت است. برای درک بهتر در این زمینه به دو نمونه اشاره می‌کنیم.

نقل می‌کنند، حمید ابن قحطبه که از مسؤلان بلند پایه هارون الرشید بود در ظهر ماه رمضان سفرهٔ طعام پهن کرده و غذا می‌خورد. شخصی به او گفت: خداوند شما را عافیت بدهد. (چون می‌پنداشت حمید بیمار است و نمی‌تواند روزه بگیرد) حمید گفت: بیمار نیستم، من بسیار گناه کارم و دستم به خون افراد زیادی آلوده شده است. دیگر روزه گرفتن و نماز خواندن مرا نجات نمی‌دهد^(۱).

می‌گویند یکی از حکام بنی امیه به نام محمد ابن شهاب زهری، اختلال حواس پیدا کرده بود و حالت روحی و روانی نا متعادلی داشت و با کسی صحبت نمی‌کرد. بستگانش برای بهبود حال وی، او را به حج آوردند تا دیدن

۱- عیون اخبار الرضا، جلد ۲ صفحه ۱۰۰.

جمعیت در حال وی اثر کند. در همان سال امام سجاد علیه السلام نیز به حج مشرف شده بودند، حضرت علیه السلام وی را می‌شناختند نزدیک وی شدند، او حضرت علیه السلام را شناخت. حضرت علیه السلام فرمودند، چرا به این حال افتاده‌ای، وی عرض کرد: بی‌گناهی را به قتل رسانده‌ام. امام علیه السلام فرمودند: دیه او را پرداز. او عرض کرد: بستگان مقتول دیه نمی‌گیرند، امام علیه السلام فرمودند: هنگامی که کسی در خانه آنان نیست پول را در کیسه‌ای بگذارد و در خانه آنان قرار بده. امام علیه السلام سپس فرمودند: این یأس و ناامیدی که به تو غلبه کرده است از تمام گناهات بالاتر و بیشتر است ^(۱).

امام علیه السلام می‌خواستند به گونه‌ای روح اعتماد به نفس و حسن ظن به عفو الهی را در دل حاکم اموی زنده نمایند. زیرا او نیز بنده‌ای از بندگان خداوند است و با تمام گناهان و ستمهایی که انجام داده است، حال دچار گناهی بزرگتر شده که سوء ظن به خداوند متعال می‌باشد.

بازتاب هر نوع تصوّر و گمان به خداوند متعال، در رفتار و قضاوت خداوند در دنیا و آخرت خود را نشان می‌دهد. کسانی هستند که سالها بر سر سفره امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) نشسته‌اند و ارتزاق می‌کنند، ولی با کمترین سختی در امرار معاش، پشت به سفره امام زمان علیه السلام می‌کنند و روی

۱- کافی، جلد ۷ صفحه ۲۹۶.

به کسب و کار می آورند ، این عمل نشان دهنده سوء ظن به کرامت الهی است .
حسن ظن به خداوند و کرامات الهی اقتضاء نمی کند که با اندکی فشار
زندگی به امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) پشت کنیم . این عمل بالاترین
گناه است که کسی عمری را بر سر خوان اولیاء الهی بنشیند و به طور مستقیم
از آن سفره ارتزاق نماید و برای زیاده خواهیها و جبران کمبودها ، پشت به
آنان نماید . این چنین افرادی هرگز موفق نخواهند شد و اگر خداوند متعال در
این دنیا تفضلاتی به آنان عنایت نماید ، حتماً سرمایه ارزشمندتری را از آنان
دریغ می نماید . اگر روزی با شنیدن نام شریف ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ منقلب می شد و
گریه می کرد ، این سرمایه را از دست می دهد و قلب او به گونه ای سیاه و
سخت می شود ، که اگر در صحرای کربلا باشد هم اشکش جاری نمی گردد . در
تفسیر آیه ،

﴿ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴾^(۱) .

آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارشان داشتید و همان موجب
هلاکت شما گردید ، و سرانجام از زیانکاران شوید .

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید :

« ليس من عبد يظن بالله خيراً إلا كان عند ظنه به »^(۲) .

۱ - سورة فصلت ، آیه ۲۳ .

۲ - تفسیر برهان ، جلد ۴ صفحه ۱۰۹ .

اگر بنده‌ای به خداوند حسن ظن داشته باشد، خدا نیز به گونه گمانش با وی رفتار می‌کند.

گناهکارانی که در خفاء و پنهانی مرتکب گناه و محرمات می‌شوند و می‌پندارند که خداوند آنها را نمی‌بیند، عقاب می‌شوند.

بنابر روایات، در قیامت خداوند از بنده‌ای گناهکار می‌پرسد: چرا مرتکب محرمات شدی؟ آیا می‌خواستی طغیان و سرکشی نمایی؟ بنده پاسخ می‌دهد: بارالها می‌دانستم رحمتی گسترده داری و رأفت تو، شامل حال من می‌شود و از عذابت ایمن خواهم بود. از بارگاه الهی به ملائکه خطاب می‌رسد، این بنده من آمرزیده شده است او را به بهشت هدایت نمایید^(۱).

حسن ظن موجب سکون و آرامش برای فرد می‌شود و انسان با این طمأنینه در می‌یابد که راه تلاش برای دست یابی به لقاء الهی باز می‌باشد. خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾^(۲).

بگو ای بندگانم که زیاده بر خویشتن ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید.

یأس و ناامیدی از روح خداوند بزرگترین گناه است.

۱- تفسیر برهان، جلد ۴ صفحه ۱۰۸.

۲- سوره زمر، آیه ۵۳.

امام سجاد علیه السلام خداوند را این گونه معرفی می نمایند :

« یا من عفوہ أكثر من نقمته ویا من رضاه أوفر من سخطه »^(۱).

ای کسی که گذشتی افزون از عذاب داری و رضا و خشنودی بیشتر از خشم و غضب .

اگر خشم الهی بیشتر از رحمت و رضای الهی بود وضعیّت آفرینش

چگونه بود ؟

انسانها به دلیل اینکه در نعمات الهی غرق هستند ، غافل اند و توجّه و

تفکّر در نعمات الهی از آنان سلب شده است .

امام سجاد علیه السلام می فرماید :

« أنت الذي عفوہ أعلى من عقابه وأنت الذي تسعی رحمته أمام

غضبه وأنت الذي عطاؤه أكثر من منعه »^(۲).

ای خدایی که گذشتت بالاتر از عذاب است ، و رحمتت جلوتر از غضب

می باشد ، و عطایا و بخششهایت بیشتر از آن چیزی است که نداده ای .

و در جایی دیگر می فرماید :

« یا من سبقت رحمته غضبه »^(۳).

ای کسی که رحمتت بر غضبت پیشی گرفته است .

۱ - صحیفه سجادیه ، صفحه ۶۸ .

۲ - صحیفه سجادیه ، صفحه ۸۳ .

۳ - صحیفه سجادیه ، صفحه ۳۴۵ .

نعمتهای که انسانها از آن برخوردارند قابل مقایسه با نعمتهایی که فاقد آن هستند نمی‌باشد.

یکی از حکمتها و توجیهاات به دنیا آمدن انسانهای علیل و بیمار این است که ما قدر سلامت و عافیت را بدانیم.

امام سجاد علیه السلام در این مناجات می‌فرماید: بارالها ما راغب و مشتاق لقاء تو هستیم اما هیچ سرمایه‌ای جز حسن ظن و توکل بر تو نداریم. قطع و جزم داریم که تو خدای خوبی هستی.

مسن ظن در معاشرت:

همانطور که حسن ظن به خداوند توصیه و از سوء ظن نهی شده است، در زندگی اجتماعی انسانها نیز به حسن ظن توصیه و از سوء ظن نهی شده است خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ﴾^(۱).

ای مؤمنان از بسیاری از گمانها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است.

یکی از دوستان بنده که انسانی زاهد و با تقوی و اهل منبر است،

۱ - سوره حجرات، آیه ۱۲.

می‌گوید: روزی به مجلسی دعوت شدم، و روی منبری در حیاط خانه سخن می‌گفتم، صاحبخانه پایین منبر نشسته بود، ناگهان وی پشت بام را نگاه می‌کند و همسر خود را می‌بیند که مشغول پهن کردن لباسها می‌باشد و سپس مرا نگاه می‌کند، و می‌بیند من نیز به همان نقطه چشم دوخته‌ام. اولین فکری که به ذهن صاحبخانه خطور می‌کند. این است که من دارم ناموس او را می‌بینم. پس از روضه صاحبخانه روی منبر می‌نشیند و می‌بیند، بالای پشت بام دیده نمی‌شود و می‌آید از من عذر خواهی می‌کند که ببخشید من به شما گمان بد کردم.

دوستی گفت در فرودگاه مشهد بوم اذان ظهر شد و نماز خواندم (حدود نیم ساعت اذان مشهد از تهران زودتر است) سپس به تهران آمدم، دوستی در فرودگاه منتظر من بود، همراه وی به خانه‌ای رفتیم و پس از مدتی دوستم نماز خواند و مشغول صحبت بودیم، تا اینکه اذان مغرب گفت، آن دوست به من گفت چرا شما نماز نمی‌خوانید؟

ما باید رفتار برادران و خواهران دینی خود را تأویل و توجیه کنیم، همچنین در خانواده نباید نسبت به همدیگر سوء ظن داشته باشیم. حسن ظن به زندگی ما آرامش و سکون می‌بخشد. حسن ظن سرمایه‌ای است برای سلامت زندگی دنیوی و اخروی.

خداوند همه ما را از شرور نفس خودمان و وسوسه‌های شیطانی
محافظت فرماید.

... مبداء و گنجینه همه خیرها و خوبی‌های دنیا
و آخرت نزد ذات اقدس الهی است و خداوند آنها را
تقسیم و اعطاء می‌کند. این خیرها شامل کسانی
می‌گردد که دارای حسن ظن به خداوند باشند و با
اخلاق نیکو با دیگران رفتار کنند و غیبت نکنند.
پس از توبه و استغفار عذاب الهی شامل انسان
نمی‌شود، بشرط آنکه، انسان تائب به بخشش
خداوند، حسن ظن داشته باشد. اگر کسی واقعاً
توبه کرده و از گذشته خود پشیمان باشد و هرگز
گناهان گذشته را تکرار نکند ولی به خداوند سوء
ظن داشته باشد، هرگز خداوند گناهان او را
نمی‌بخشد. (صفحه ۲۱ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹